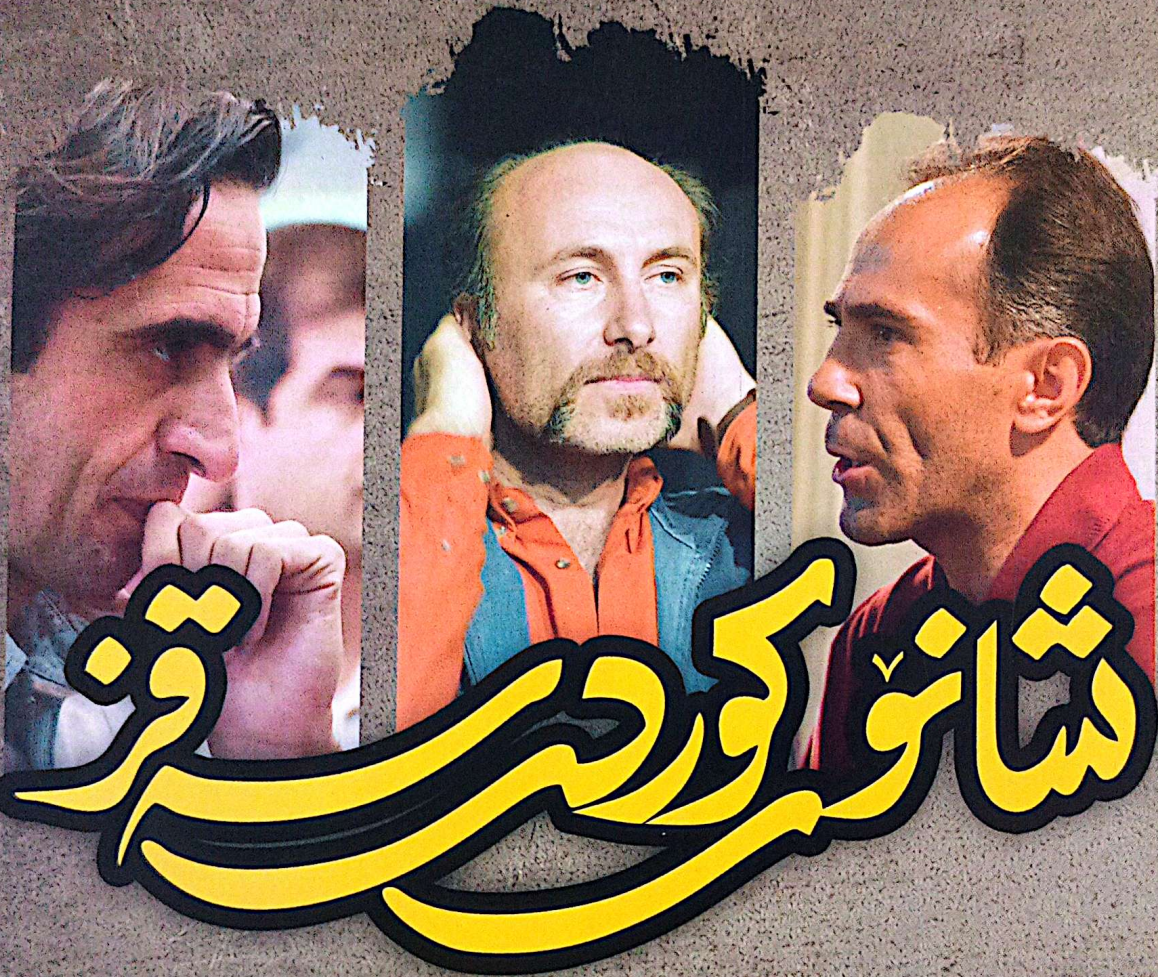


فقه

۱

ویژه‌نامه‌ی سیزدهمین جشنواره‌ی تئاتر کردی سقز
۲۹ شهریورماه تا ۲ مهرماه ۱۳۹۵



لهم ژماره‌به‌دا:

در هم آمیختگی واقعیت و اسطوره
بایز له ئیوان "به‌ره‌نگاری" و "دامان" دا
چاوی سیپه‌م؛ ناستی بیکه‌بشتیگی ته‌واو
همه پایانه‌های حسی مخاطب
روخی کوردی و ره‌سه‌نایه‌تی ...
هه‌ولمان دا له روانگه‌یه‌کی دیکه‌وه ...

۶

بنوه‌ندینه و بنوه‌کانی
سانو و نه‌ده‌ییات
ره‌حیم عه‌بدولره‌حیم‌زاده



۱۰

هونه‌ری جیهانی:
ره‌نگ و بوئی ناوه‌روک و شیوه
ره‌حمان هوشناری





خه ج و سیامه‌ند



**گنجایش سالن
و تعداد اجراها
مد نظر بود**

همزمان با افتتاح غیررسمی جشنواره، نمایشگاهی از آثار نقاشی هنرمندان سقزی و نمایشگاه عکس جاوید روح فداه در محل گالری اداری فرهنگ و ارشاد اسلامی گشایش یافت.

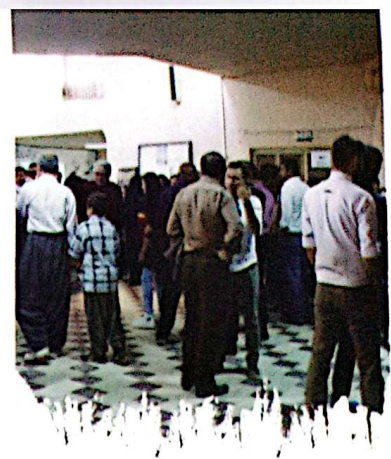
رئیس اداره ارشاد ضمن تقدیر از این هنرمندان و انجمن هنرهای تجسمی برای برپایی این نمایشگاه‌ها، در خصوص روند انتخاب آثار جشنواره گفت: برای جشنواره سیزدهم، ۶۳ متن از داخل و خارج کشور ارسال شد که در نهایت هیئت بازبین جشنواره متشکل از آقایان همتیان، رامین راستی و باقر سروش، طی ۳ روز آثار شرکت کننده را بازبینی نموده و کارهای انتخابی را مشخص نمودند. طبق قرار قبلی، جشنواره باید در اول مهر برگزار می‌شد اما به دلیل همزمانی با جشنواره‌ی تئاتر خیابانی به ۲۹ شهریور موکول شد. در این دوره با افزایش کمی آثار مواجه بودیم و تعداد آثار انتخابی گنجایش سالن و تعداد اجراها را مد نظر قرار دادیم. ■



**جشنواره تئاتر کردی در
تقویم سالیانه وزارت ارشاد
گنجانده شود**

مسئول دبیرخانه سیزدهمین جشنواره تئاتر کردی در گفتگو با خبرنگاران در آیین افتتاح جشنواره بر دائمی بودن دبیرخانه‌ی این جشنواره در سقز تاکید نمود و اظهار داشت، سقز پایتخت ابدی تئاتر کردی است و با توجه به استقبال بسیار خوب گروه‌های کردزبان از سراسر ایران و همچنین کردستان عراق و ترکیه توسعه‌ی این جشنواره و تامین اعتبارات لازم و مورد نیاز برای آن ضروریست.

اسماعیل پاشایی با اشاره به برگزاری جشنواره‌های مختلف فرهنگی و هنری در شهرستان سقز، تصریح نمود: گنجاندن جشنواره تئاتر کردی در تقویم سالیانه جشنواره‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ضروریست. و ضمن تشکر از اعضای ستاد اجرایی برگزاری استانی و شهرستانی این جشنواره و همچنین سیاست‌های فرهنگی دولت تدبیر و امید اظهار امیدواری کرد برگزاری باشکوه این جشنواره مورد رضایت عموم شهروندان، اهالی هنر و فرهنگ قرار بگیرد. ■



**جشنواره سیزدهم در
اولین روز خود با سه
اجرا کلید خورد**

این نمایش که به معنای "آواز شبانه عشاق" است، یکی از نمایشنامه‌های کوتاه "اسلاومیر مروژک" نویسنده لهستانی است که به زبانی ساده، نمادین و با طنزی تلخ به نقد جامعه امروز پرداخت.

نمایش "پایز" به کارگردانی پرویز احمدی دومین اجرای جشنواره بود این نمایش داستان مرد جوانی است که آخرین لحظات از حضور خود را در یک بازداشتگاه سپری می‌کند و قرار است در این شب به یک پادگان منتقل شود ...

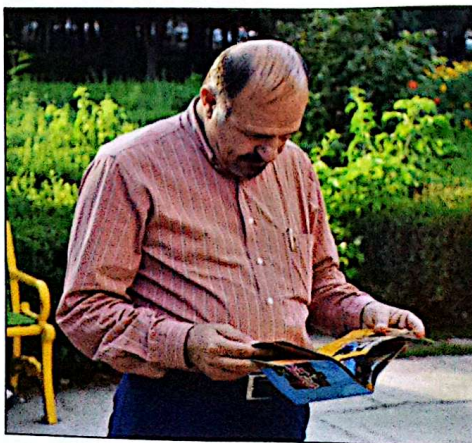
آخرین اجرای روز اول نمایش "خه‌ج و سیامند" به کارگردانی رسول بانگین از ارومیه بود که ساعت ۲۲ به روی صحنه رفت. این تئاتر، قصه‌ی دلدادگی "خه‌ج" و "سیامند" است، که در دو فضای قدیم و جدید روایت می‌شود. دو شیفته‌ای که این بار نیز چون صدها قصه دلدادگی، به ناکامی می‌انجامد، انگار که عشق را ناکامیست که سبب جاودانگی می‌شود... ■

نگاه

هنر نمایش هنر بازنمایی و بازآفرینی است محمد زارعه‌زاده

آنان، در راه رشد و اعتلای تئاتر در مناطق کردنشین حرکتی کرد و با تبادل نظر و استعانت از آراء و تجربیات هنرمندان کردزبان که امروزه کم هم نیستند، در راه تولید آثار فاخر نمایشی گام برداشت.

امید داریم نگاه و دیدی تازه و هنرمندانه به مقوله‌ی فرهنگ عامه، آداب، مراسم و آیین‌های سنتی جاری و ساری در مناطق کردنشین و ثبت کتبی متون شفاهی این خطه بنا بر ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی راه را برای نیل به اهداف کلان هنری هم‌چون تعریف و تشریح مقوله‌ی «تئاتر کردی» هموار سازد و در این راه هنرمندان، هنرجویان و هنردوستان کردزبان خالق این زندگی منحصر به فرد بر روی صحنه‌ی نمایش باشند ■



پس از گذشت سیزده دوره از جشنواره‌ی تئاتر کردی سقز با توجه به سوابق اجرایی سنوات گذشته، باید زبان و ادبیات کردی را به عنوان پشتوانه‌ای غنی در نظر گرفت و در مسیر تشویق و ترغیب نویسندگان به نگارش متون نمایشی بر اساس اصالت‌ها، آیین‌ها و ارزش‌های فرهنگی مناطق کردنشین گام برداشت.

هنر نمایش، هنر بازنمایی و بازآفرینی لحظات ناب زندگیست و بهترین راه برای به تصویر کشیدن این جریان فرهنگی، استفاده‌ی خلاقانه از رسوم، سنن، حماسه، آیین و مراسم ملی - مذهبی، در آفرینش متون اجرایی نمایش‌های کردی خواهد بود. پس ضروری است با ایجاد پیوند با عامه‌ی مردم و جلب مشارکت حداکثری



پرویز احمدی

هولمان دا له روانگه یه کی دیگه وه ژيان ببینین وتووېز له گڼل دهره نهری شانوی پایز

که تم نواندنه باشه یان تومار
کرد و بهرستی ملودو بوون و
تو جوړی چلوهر و تاسم دمکرد
دموریل تولد و به هوی سنووردار
بوونی شونئ نواندنه کش دباره
بیسری شلوه که له دؤخیکی
ناخوشا سهری شلوه کیان کرد
بسم یونه شهوه داوی لیسورن له
سهرجم بینران و بهرمنگنی هنرا
دهکم که لهو هلوهر جمشدا کاتی
خویان یو بیی شلوه کی تیمه ترخان کرد.
ناستی قیستقاله که چون دهمین؟
روونه هیچ کار و چالاکیه که به شوه یه کی
رهما (مطلق) تهلو نییه و به تیهری کانه
که نهمونه کلن که له کی سهر یک دمین
و ده تاسن بینه پشیتوان یو به هنر کردن
و تهلو کردنی چالاکیه کان. دباره هیچ
جوړله یه کی بی کم و کوووری نییه
تلهوی کم و کوووری نییه، راوستنه یک
لهو گرفتگی به داخوه قهراری فرهنگي
و هنرماتی دزو و ناشیرین کردوه،
هلاق له رخنه و نه بیستی دهنگه
جلاوړه کانه و دؤخیکی وهما رهخواه
کس نه توانی یاس له رخنه کلن پکات
یو تلهوی قیستقالی شلوی کوردیلمان
هیند پیروز و پیگرد کردوه که کس
یو نهی رخنه یه کی ناراسته پکات،
که نه به به پنجه وانسه لوزیک و
رهسالتی هونه، هونه ی مودیرن
به گشتی و شان به تابه تی له
هناوی خوسدا، تهوتم و تابوکان و
هیله سووره کان نه به زینن، تیمه یاس
به رنوه بردنی سزده خولی قیستقال
هینشا نه ماتوانوه له باری تیوردا
شلوی کوردی پیناسه بکه یان و
تلهوی نه که رنهموه یو گونگی نهان
به لایه ی رانسی و لیکوالیه و هی و
گومام لهو نه نییه تلهو خهساره له
مهرترین خهساره کانی قیستقالی
شلوی کوردیسه و دهی
گرنگی پوینستی
پـ
پـ

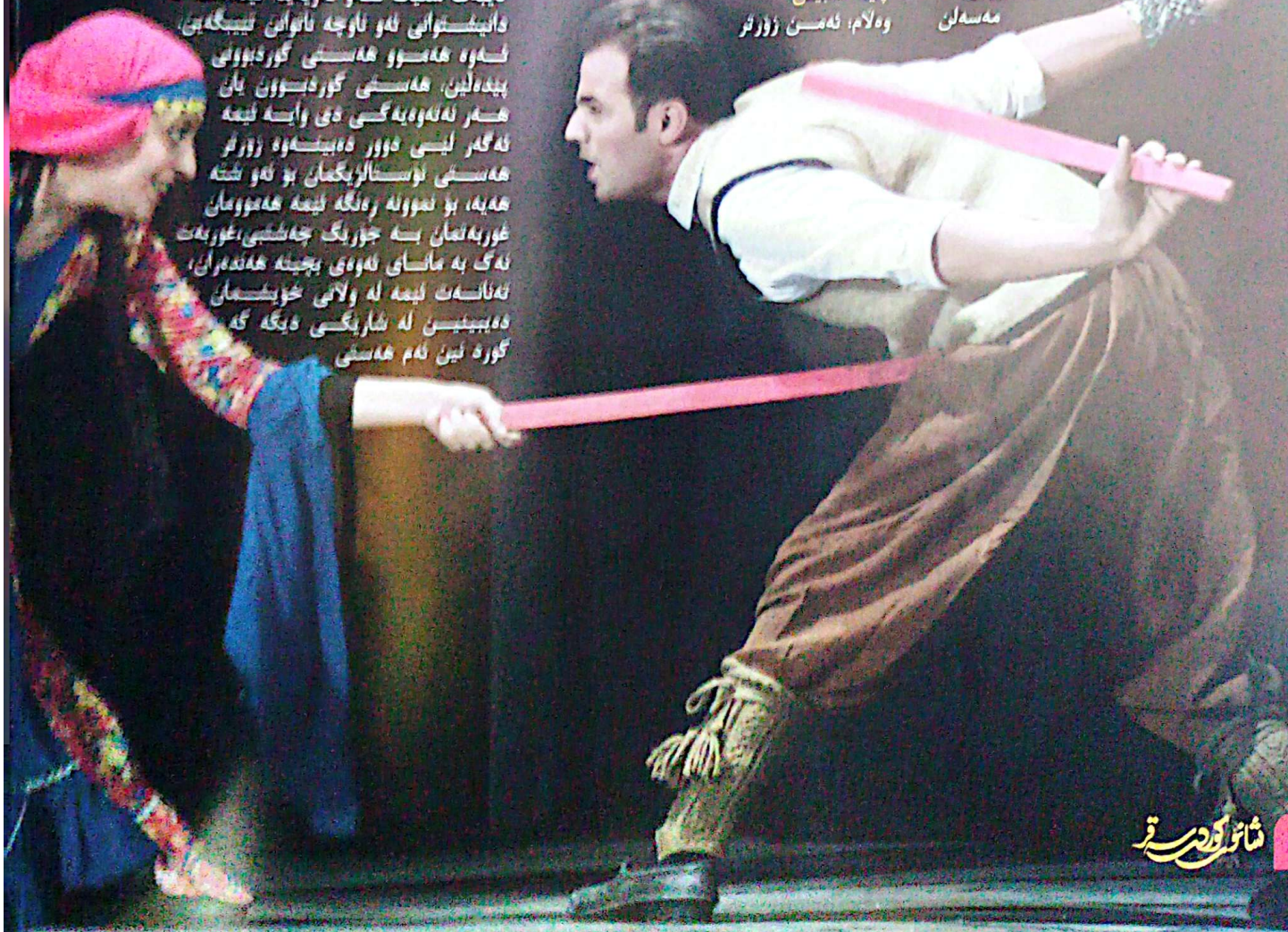
بیسری ملودو نهموون و بیرونی یو تلهو نواندنه سهر کهوتوه،
دهک دهسنتیک تلهو شلوا و قهقهه ناخوه کلن تاکی کورد توتندرا
به روتن دهک بیسری و دهره نهری تلهو شلوه رواتیتلن یو تاکی
کورد و بهرمنگنی جیه؟
تلهو به شلوه کی گشتی دهک کورد له گڼل کچه لیک پرسدا
روونه روون که لایکه تلهو سزده ساله دیلدا تلهو خالدا هموو
خهسنتس و هموو تلهو تلهو شلوه که له شلوه که تلهو شلوه
یو سهر به ناخوه کی به کس، تیمه له جیالیکدا ژیلون
خهسنتس روون زیلمان ناخوه له پرس و کیشه و پله تلهو لیک
که به یو کی هله کیلنیک یو یو کی لی زوت کردوون، کیشه
تلهو کیشه ی سهره یه، کیشه ی نهمینه، تیمه یو شولن که
به یو کی هسنتس و بهرمنگنی رواتیتلن چمتو لاینه و کراولمان
تلهو کرد هولمان دا له روانگه یه کی دیگه وه ژیلن بییتن و
سهر به جیلن کردنی بکه یه تلهو، یو تلهو شلوه تلهو شلوه
تلهو عات به ژیلن دهره ختیت و ژیلن شیرین دهکات، تاکی کورد
تلهو تلهو کیشه ی تلهو تلهو ناخوه ناخوه به تلهو و مهرسی،
بیسری سهره کی پایز تلهو تلهو تلهو که تلهو مروتانه له دؤخیکی
قهره کی، مروتانی، یاسی تابه تلهو، وانا تلهو سهره مسمی که
شلوه تلهو روو دندا، کوه تلهو تلهو، له رواتیتلن به کمد تلهو
کیشه مروتانی، به لام هلوکات به داخوه هلوچرخن، مروتانی
لهو روو روو ژیلن پشست به مروتانی دهره ختیت، مروتانی لهو روو روو
که لایمان یو تلهو یو کی مروتانی، هلوچرخن چونکه ژیلن
به رده تلهو، هلوچرخن لهو روو روو تلهو هله مسمیه
له یو تلهو و دهره تلهو که تلهو کان رازی بووی؟
تلهو یو به له و لایمانه یو تلهو پرساره یاس لهو دؤخه بکه
که هله یو تلهو یو شلوه له قیستقالدا دهره ختیت، به داخوه
تلهو هله به رواتیتلن من له دؤخیکی نارووندا به تیمه له رووی
ناخوه تلهو هولمان کرد شونئ نواندنه له هلی سهره کی
قیستقاله یو پلاتو یو تلهو تلهو تلهو به تلهو ده که رواتیتلن یو
ناروونی له رای لاینه ی هلوچرخن (هات بازین) و راگه یانده
براره کس لاینه تلهو که به تیمه راگه یانده تلهو یو که
شلوه کی تیمه له به ناسته یو شونئ نواندنه و ژورنی شلوه
هلوچرخن راوه کان و رای لاینه، نهی له پلاتو پویندنی، تلهو له
حالیکدا به گروویک لهو گروویک یو پشتر به دهک (ذخیره) بوون
و یاس به هانی گروویک یانمان هلی هاتنه ننو قیستقالان یو
رهسا و خاله کان له گروویک تیمه که مروتانی له هلی سهره کی
قیستقالدا هلی نواندنه یو رهسا و تلهو که یاسمان کرد
له سهرمان کارمگه یی نهرنی یو، جی خویه تی لاینه رهسا
و گه یی حوکان به بهرمنگنی راگه یانده یو ناروون ده که یی
نایس لهو گروویک هوزی و هلوچرخن له تیمه سهره کهوتوون
بیت، به لام سهره رای تلهو تلهو هولمان دا حواترین و شواترین
نواندنه بکه یی، لایمانه له ناستیک ژور باشدا دهره کهوتن، ژور
یاسی هموو تلهو کان و هلوچرخن یو شلوه پایز ده که م

وتتويج له گډل راتلونکي پانگېس کار خپلداري ستاوي خدمت و سپارنه ده



بووکه باری زور لایهنی فولکلوری ههیه،
 یان خهچ و سپاهه نه ئهسان له شالو بهی
 لایهنی فولکلوری ههیه خودی ههاری
 نهرفنو که متهر نهسانه گانی فولکلور له ویدا
 بوونی ههیه، زیاتر لایهنی میژووبان ههیه
 بو که دهی بههینه ده به شاندی گوردی
 بنیوست ناگات بههینه ده به میژووی خویمان
 یان شتیکی میژوویی رهوایهت گهین یان
 فولکلور رهوایهت گهین، ئهستان شتی گهه
 شانویک بنووسین که نهو که سهیه تیانهی
 که نهینه ده گوردن و به گوردی ئهسان
 ده گهین نهفکار و نهیه گوردیان ههیه،
 رهسانایهتی گوردیان ههیه، روح و
 نه نهینه ده گوردیان ههیه، نهو به شاندی
 گوردی دینه نهفکار.
 بهسار، نهو روح و رهسانایهتی گوردی له
 چیدا دهین؟
 وهلام، نهمن زور لایهنی

پرسبار، نیوه وهگ نووسری هاواری
که ره فتوو، دهروش گسوری ناوی، خج و
سیاه بند، بو که بارانی... لدم نه زمووانده
نیوهوه که نیمه ناگهانی لیان هدی، نه گری
به خالی بگین نهویش نهوهی بلین ره سول
بانگین روانی بو شانوی کوردی نهوهی که
شانوی کوردی به شیوه یهگ فاکتور بگی
پیناسه گهری نهوهی که ده بی بگه ریخته وه
بو سوخته و تانیه گان و بو داب و نه ریستی
گون و سه ره نهوی دارشته وهی بو یکت.
نه گری بلین نیوه نه وه کوو فاکتور بگی
پیناسه گهری شانوی کوردی نه ناسینی؟
وه لام، نه خیر نهوه بهو شکه قبولم نییه
که بو نمونه بو نهوهی نیمه شانوی
کوردی میان هبی ده بی بگه یه وه
به فلکلور و نه دبانی پیشوو
نه شو جزوی که
مهسلن





مسعود رحیمی

همه پایانه‌های حسی مخاطب

از متن اولیه نمایشنامه "سرنا" تا اجرای آن در سیزدهمین جشنواره نمایش کوردی، چند تحول زبانی روی داده است. یک بار بازخوانی متن از طریق ترجمه، بار دوم، خوانشی مجدد از متن بازخوانی شده با زبان تصویر و اداهای زبانی، توسط کارگردان این بار نیز قرآنی تازه توسط همین متن، به منتهای مخاطب.

در هر صورت آنچه به مخاطب عرضه می‌شود؛ محصول کارگردان است چون حتی دیالوگ‌ها بخشی از کل اداهای زبانی است و خود واژه نیز در تبدیل به گفتار، عامل صوت و آهنگ را به همراه می‌آورد تا در این فرایند تأثیر تأویل‌پذیر واژه، با سیگنال‌های فیزیکی صوت توأم شوند.

علاوه بر این، امواج بصری، که مکمل تفسیر نهایی کارگردان از متن دوم هستند، با واژه و صوت، درمی‌آمیزند تا متن مایه‌محمل، همه پایانه‌های حسی مخاطب را درنوردند. نمایش با تمامی المان‌ها و عوامل بیان، خود یک متن است و همانند متن نمایش‌های روزمره زندگی بر خرد و عواطف ما همزمان اثر می‌گذارد.

اما سرنا چگونه نمایشی بود؟

نمایش سرنا، به لحاظ زائر، نوع گفتار، طراحی لباس و موسیقی متن، بیانی استوار دارد. به شکلی که گویی برای گروه سنی نوجوانان تهیه شده است. اما طنز گرندهی آن، از همان ابتدا اشاره به امری جدی را در خود مستتر دارد.

در این نمایش، از متن اولیه تا اجرای نهایی، همه چیز، سخت، ساده و گوارا شده است. از نگاه فلسفی و عمیق به نظام سلطه گرفته تا رموز پیچیده رفتار انسان در شرایط بحرانی و ...

در این اجرا، واهی بودن قدرت و هژمونی سنت‌های سلطه، با زبانی سخره‌گر، نمایش داده شد. انتخاب هوشمندانه دیالکت متناسب با شرایط زندگی کنونی، توسط مترجم و آراستن آن به افاده‌های سمبولیک صوتی، از جانب کارگردان، به همراه ارائه بصری مناسب لباس و صحنه، فضای کار را تا حد ممکن هارمونیزه نموده است.

سهل‌الهم بودن کلیت فضای این نمایش، مخاطب را از آن جهت به بازی می‌گیرد که ابتدا می‌انگارد با ساده‌ترین زائر سروکار یافته است. اما پیرواک پسین تأثیر این اثر، ذهن مخاطب را خارج از سالن نمایش به خود مشغول می‌دارد و یک بار دیگر به مرور مفاهیمی همچون فریب، سنت‌های واهی و شکنندگی نظام سلطه و استهلاک‌آمیز بودن وهم قدرت، و جایگاه پدر، حاکم و مقدسات، و می‌دارد.

سازی موقر و هم‌رده بازیگران، با وجود مایه‌های زیرکانه از مزاح و شیرین‌کاری، به دور از مأنورهای غیرضروری نمایش مهارت‌های فردی، در ارائه پیام زرف زائر اثر، خوب و موفق بود. ■

غریبه‌ته سرمان لیده‌دات، تیگه‌بشتی من له کوردیوون نمه‌به که نمندیه و ره‌سناپه‌تی کوردیوون.

پرسبار، تینتا بگه‌رینه‌وه سر نم به‌رهمه شانونیه تیوه له فیستالی سینه‌هه‌می شانی کوردی سغز پیشکه‌شان کرد، له نوانده‌کشان رازی بوون؟

وله‌لام، له فیستاله‌کاندا که‌متر پتشی دی دهره‌نیر له نواندنی خوی رازی بی، تو نواندنیک هه‌به یان باش ده‌بی یان خه‌راب، هه‌موو نه‌و که‌سانه کاری شانونیان کوردوه، ده‌زانتی شانو یان ده‌مگری یان نابگری، سینه‌ما نیبه پلانی دلخواری خوت تو‌مار کردین، هزار جار جاوینسی لیکه‌ی، هه‌ر نه‌و پلانه بی، له شاندا روژیک کاره‌کشت خه‌راب ده‌بی، روژیک زور باش ده‌بی، روژیک مامناوه‌ندی ده‌بی، کاروباری فغنیش لعم بانه‌سدا کاربگریان هه‌به خودی به‌ریش کاربگری هه‌به، نه‌کتره‌کشت روژیک باشه چونکه به‌نیری تابه‌نی هه‌به، روژیک نوانده‌کشی خه‌راب، چونکه به‌نیری وای هه‌به به‌یخوش نیبه له‌وی بی، نوانده‌کشان له باری هونریه‌وه خه‌راب نه‌بوو، به‌لام له باری فغنیه‌وه به ویستی نیمه نه‌بوو، دهره‌فیتیکی ناماده‌کردنی سه‌کو، دیکور و رو‌داوی ناخوش له هات

چون شانوگه‌م به پتی نه‌کتر دادریم نه‌ک به پتی فاکتره دهره‌کیه‌کان، دیساده‌وه توانیم نه‌و کاربگریه‌می دهمویست له سر به‌نیر دایتم.

به رای تیوه فیستالی نم سال به به‌راورد به سالانی پشوو چ جاوازیه‌کی هه‌به؟

به‌کیک له لایه‌نه باشه‌کاتی فیستالی نه‌مال به‌شداربوونی چند گرووی شانونی له به‌شه‌کاتی دیکه‌ی کوردستانه‌وه‌یه نمه له ناخی خویدا هه‌نگاوینکی نه‌رینی و باشه که ده‌کری و‌ک

سه‌ره‌تابه‌ک بو به تیونه‌ته‌وه‌یی بوونی شانی کوردی چاوی لیبرکرت شانی کوردی لیزه ناستیکی و‌های بریوه که تیدی ده‌توانیت له دهره‌وه‌شدا

شیکسی بو کوتن یی بیت، من یمش به حالی خوم یم هه‌نگاوه خوشحالم و هیوادرم سالانی داهاتوو بتوانین شایه‌نی

شانی کوردی کوردی کوردانی سووریا و نه‌رمه‌نستان و دیکه‌ی ولاتان بین هوای

سه‌رکه‌وتتم بو هه‌مووان هه‌به. ■



تی
تینت
و سنامند

سدا ده‌بیم، بو نمونه
ردی له به‌ر مایه‌یک
کبیسگ بگه‌ت، ناها
سه ده‌بیمه کورد؟ نا
لانی زمانی کوردی لیر
ت بکات که نه‌و جوهره
ده‌توانین پپیان بلین
بروای من کوردیوون
که وه‌سک ناگری
مانوانسی به‌رکینیت
باسی ده‌کیت له
سیاری ناگدا هه‌به بو
ساله له نه‌رمکاندا
ناو ده‌سته‌به‌ک، یان
سد کوردیک ده‌بیم،
سه، بوینکی بو دی، به
هزه‌به‌دا تیده‌گات که
نا‌توانن تیبگین.

تی کوردیوون
بره‌بوون یان
ی وایه نیمه
بسه‌وه زورتر
شان بو نه‌و شه
نیمه هه‌موومان
چه‌شتی، غوریت
به‌چته هه‌نهران،
خوشمان
دیکه که

په یوه نډیبه ون بووه کانی شانو و نه ده بیات



ره حیم عه بدولره حیم زاده

شانو بهو تاریخه زاله ی ئیستا هه یه تی و له یونانی کهوناراه به ئیمه گه یشتوه، دیارده یه کی روژه هلاتی نییه و هر بویه شانو و شانوانامه بنچینه و ره گه زیکی وای له ناو کومه لگاکانی روژه هلاتدا نییه و تمه منی پتر له سهد سال ناخیه نی. هه ربویه ش سهر له بهری نه ده بیاتی کوردی یا فارسی یان عهره یی و تورکی لیک ده یه وه شتیک به ناوی سونه تی نه ده بیاتی شانوی نادوزیه وه و هه ره ئمه وای کردوه له هه موو ئهم ولاتانه شانو وه ک دیارده یه کی جیا له نه ده بیات سهر کرئ. ئمه له کاتیکدا یه که له روژاوا شانو و شانوانامه به شیکه له جیهانی بهر فراوانی نه ده بیات یان نه گهر واش نه لئین تیکه لاویه کانی ئهم دوو جیهانه هینه زوره که یه کالا کردنه و یان زور دژواره.

کاتیک ده گهرینه وه بۆ سه ره تاکان ئهم دیارده یه زور به ناشکرایی وه دیار ده که وئ. ئه ره ستوو کتیبی بووتقا یان فه ننی شعیری بهو مه به سه نووسی که تیندا باس له تیورییه کانی شعیر بکا، به لام سهر له بهری ئهم کتیبه گرنگه باسی شانو و به تایبه ت تراژیدییه. چون ئهو کات هچ سنووریک له نیوان شانو و شعیر دیاری نه کرابوو. کاتیک چاو له کتیبی فه ننی شعیری هورایش ده که یان دیسان ئمه باسی شانو و تراژیدییه که زاله.

هه رچه ن له دوا ی رۆنسانسه وه سنووری نیوان شانو و نه ده بیات دیاری ده کرئ و لیک جیا ده کرینه وه، به لام دیسان ده بینین ئه ژماریکی زوری نووسه ران و شاعیران له هه ردوو بواردا کار ده کهن و له هه ردوو بواریدا سهر کهوتی گه وه به ده ست دین. ناسراوترینی ئهم که سه انه ویلیام شیکسپیره که وه ک گه وره ترین شاعیری ئینگلیس ده ناسرئ. به لام له هه مان کاتدا شانوانامه کانی له هه موو دونیا به ریزیکی تایبه ته وه پشککش ده کرین. له ئالمان که سه انی وه ک گوته یان شیلیر وه ک شاعیرانی گه وره ی نه ته وه یی یان جیهانی ده ناسرین، به لام هه ر کام لهو شاعیره گه ورا نه خاوه نی چه ندین شاکاری شانویین.

دوا ی به دی هاتنی ژانریکی نوئ به ناوی چیرۆک و رۆمان ئهم په یوه نډیانه نه ک کز نه بوو، به لک وو زور پته و تریش بوون که هۆکاره که ی ده گهرینه وه بۆ ئه وه ی که

هاو به شیه کانی نیوان چیرۆک و شانوانامه زور زیاتره تا شعیر و شانوانامه که دواتر زیاتر باسی ئهو هاو به شیه نه ده کین.

سیروانتس که به نووسی نی رۆمانی دۆن کیشوت به پیشه نگی رۆمان نووسی له جیهاندا ده ناسرئ کاری خوی به نووسی نی شانوانامه ده ست پیکردوه و تا دینه پشتر ژماره ی ئهو نووسه رانه ی شانوانامه یان نووسیوه و ئهو شانوانامه نووسانه ی چیرۆک و رۆمانیان بلار کردنه وه زیاتر ده بی. چیخوف چه نه له جیهانی کورته چیرۆکدا به ناواینگه دوو هینه وه ک شانوانامه نووسیکی گرنگ ده ناسرئ، ماکسیم گورکی جیا له وه ی خاوه نی رۆمانی گه وره ی وه ک دایکه کومه لی شانوانامه ی زور پته و ی نووسیوه و نیکولای گوگول جیا له چیرۆک گه لی شاکاری وه ک شینیل شانوانامه ی به هیزی وه ک باز ره سی خولقاندوه. جیا له نووسه رانی رووس ئهم هاو به شیه ده توانین له نووسه رانی گه وره ی تری دونیاشدا ببینین که بهر چاوترینان ژان پۆل سارتر و تالبیر کاموی فه رانسین. سارتر جگه له چه ندین رۆمانی گرنگ وه ک رشانوه، خاوه نی شاکاری شانوی وه ک شه ی تان و خودا یان گو شه گرانی ئالتونایه. کاموش جگه له وه ی رۆمانی گه وره ی وه گ بیگانه و تا عوونی خولقاندوه، شانوانامه ی به هیزی وه ک کالیگولا و راستانی هه یه.

نه گهر له ولاشه وه چاو لیکه یین زور شانوانامه نووسی گه وره هه ن که خویان له قه ره ی چیرۆک نووسی داوه و به ره ه می زور به پتیزان خولقاندوه که دیارترینان ساموئیل بیکیتی ئیرله نډییه. بیکیت که خاوه نی شانوانامه ی گه وره ی وه ک له چاوه روانی گودو و کونایی گه مه یه، رۆمان و چیرۆکی پته و ی وه ک مالون دهرئی نووسیوه یان هارولد پینتیر که خه لاتی نه ده بی نوبیلی ۲۰۰۵ ی وه رگرتووه، جیا له شانوانامه خاوه نی ده یان چیرۆکی ناسراوه.

هه موو ئهم نمووانه ئیمه ده گه یه نیته ئهو باوه ره ی په یوه نډییه کانی نیوان شانو و نه ده بیات له روژاوا چه نه ده پته و و به هیزی و ئهم پرسیاره مان لا ساز ده کا که شانو و نه ده بیاتی کوردی تا چه ند توانیوانه ئاوه ها په یوه نډییه ک ساز که ن؟ هۆکاره کانی کز بوونی ئهم په یوه نډییه کامانه ن و ده سه که و ته کانی

بوونی وه ها په یوه نډییه ک چین؟ له کوردستان په یوه نډییه کانی شانو و نه ده بیات ده یوانی زور به ه می و چی له ولاتانی خاوه ن سونه تی شاعیر نه مینینه وه. چا ده سپکی شانو و نه کوردستان له لاین نه دیان و نووسه رانه وه بوو به شانوانامه ی کوردی به ناوی مه می لاین لاین شاعیریک به ناوی عه بدولره حیم ره حمی هه کاریه وه نووسرا، داتلی زانیه شانو و هه ره ها نووسی یه که ه می نه یان به زمانی کوردی له لاین شاعیری گه ی نه ته وه یی کورد گورانه وه بوو. یه که ره لیکدا نه وه کان له شانوی کوردیدا له رۆمان ژین و له لاین شاعیر و رۆشیری ناسرا پیره میردوه بوو. هه موو ئهمه هه رچه زور دره نگ بوو- چون میژووی هه میوه رووداوانه ته نانت ناگانه سهدس ده یان ده یوانی په یوه نډییه کی پته و و هه رچه شانو و نه ده بیات له کوردستاندا ساز بکا له کوردستانی ئیوانی ناسرا سهره لدانی شانوی کوردی ده گه یه بو ئه ده بیات و هه رچه ن نووسه رانی شانوانامه ی کوردی له کوردستانی ناسرا شانوانامه ی دایکی نیشمان هینا هه میوه به لام ئهو چه ن که سه ی که و یان ده یان ره نگه نووسه رانی ئهم شانوانامه یین یان شاعیران نووسه ر.

به ئاوه ها به نه مایه که وه شو و نه ده یان توانی هه و ده نگ له کوردستاندا یه یه و هه ر کامیان یارمه تی به و یه یه یه نه ویدی یان، به لام له دوا ی ئهم په یوه نډییه یه که سه ر ده چیرۆک و هه ر دایرانه ش ده بیته هوی ئه وه ی شانو و کوردستان به نه وای له بیر جیهاندا ده یان ژانره نه ده بییه کان ده توانن یه رده وه واته تا نه وروش و تا دوا ی ئهو شه یو دی و پیره میرد وه رینان خسته، شانوی کوردی له کزی داوه و تا نه وروش شانوانامه ی گه وره له هه موو باتنای کوردستاندا هه لسه داوه. نه گه رچی له هه موو بوو، به لام هچ کات نه بوته هه رچه شانوانامه یه کی به هیزی که خه لک بگه رینه وه سه ری و باسی بکه ر

ھۆكاری سەرەكى ئەم فەيرانەش دەگەر تەوہ بۇ ئەوہى كە نووسەران و شاعیرانى ئىمە وەك كەم ئەزمار كوردى زانەكانى ناو كۆمەلگا شانۇيان يەكسەر لە بیر چۆتەوہو شانۇكارانى ئىمەش ھىندە سەرقالى شانۇنامەى فارسى و عەردى و توركى و بىانى بوون، ھىندە سەرقالى فستقالە ورد و درشتەكان بوون كە بۆتە ھۆى مەرگى ساوايەك بە ناوى شانۇى كوردى. سەرەكەش لەوہدايە كە ئەم رەوتە تا ئىستاش ھەر بەردەوامو نہ دەدیانى ئىمە قۇلىك بۇ شانۇ ھەلدەمالن و بە شانۇكاران بیر لە ساوايەك بە ناوى شانۇى كوردى دەكەنەوہ.

كەوابوو دەتوانىن بلىنن لىكدابرانى شانۇ و ئەدەبىيات لە كوردستان بەر لە ھەر شتى بۆتە ھۆى لە ناو چوونى شانۇى كوردى بەلام ئەوہ بەو مانايە نىيە كە ئەدەبىياتىش لەم لىكدابرانە ھىچ خەسارىكى بەر نەكەوتى.

لە كوردستانى باشوور سالەكانى كۆتايى ھەفتاكانى زايىنى و سەرەتاي ھەشتاكان ھەفتا سەردەمى زىرىنى شانۇ لە كوردستان بەر دەكەن و ھەر ئەمە دەكەنە بەلگەيەك بەر دەدەربوونى شانۇ لە كوردستان، بەلام بەرەمبەر ناوہا و ھەمىكەدا دەكرى ئەم بەرەمبەر بىننە گۆرى كە دەسكەوتەكانى بەرەمبەر زىرىنە كامانەن؟ چەن شانۇنامە لە بەرەمبەر ئىستا لە كىتیبخانەى كوردیدا ھەر بەرەمبەر؟ چەن شانۇنامە ھەن كە ئىستاش بەرەمبەر سەر سىن؟ چەن لىكدانەوہ و تىورى شانۇى لەو سەردەمە جى ماوہ؟ ئەم بىرسىارانە لە بەرەمبەر ھەر سەردەمىكى زىرىنى شانۇى لە كوردستانى ئىستانىشدا ھەيە كە ناوى لى بەرەمبەر. كەوابوو سەردەمى زىرىنى شانۇى كوردى ئىستا دانەھاوہ و مەن دلنایام تا كاتى ئەو پەيوەندىيە پچراوہى نىوان شانۇ و ئەدەبىيات لە كوردستان ساز نەبیتەوہ، ھىچ كات ئەو سەردەمە زىرىنە دانايە. واتە تا ئەو رىگايەى گۆران و پیرەمىرد گرتیانە بەر ديسان دەست پى نەكەينەوہ ناتوانىن باس لە سەردەمى زىرىنى شانۇى كوردى بكەين.

ھەر ئىستا لە كوردستان سەدان چىرۆكنووسى خاوەن كىتیب و بە سەدان چىرۆكنووسى بى كىتیبمان ھەيە كە ھەر كامەو تا رادەيەك بە كەلین و قوژنەكانى گىرانەوہ ناشان، لە سەر دەستى ئەو چىرۆكنووسانەيە كە دەتوانى شانۇى كوردى لە دايك بى يان بە واتايەكى دروستتر لە دايك بىتەوہ.

ئىستا دەمانەوہى باسى ئەو دەسكەوتانە بكەين كە شانۇ دەتوانى بىبەخشى بە ئەدەبىيات، بە واتايەكى تر ئەو شتانەى نەبوونى پەيوەندى ئەدەبىيات و شانۇ لە كوردستان بۆتە ھۆى كز بوونيان لە ئەدەبىيات و بە تايبەت

چىرۆكى كوردى.

١. زمان و راویژ:

ئەگەر بلىنن ئەدەبىيات يەكسەر زمانە و لە گەمەكانى زماندايە كە ئەدەبىيات و گىرانەوہ بەدى دى زۆر بە ھەلەدا نەچوون. بەشێك لە راویژى زمان ئەو شتەيە وا زمانسان وەك پارۆل ياخۇ زمانى رۆزەزارى خەلك دەستەبەرى دەكەن واتە ئەو زمانەى خەلك پنى دەناخفین.

لە لايەكى تر شانۇ و شانۇنامە يەكسەر لە دىالوگى نىوان كەسايەتەكان پىك دى و ھەر بە پنى ئەوہ بەشى زۆرى زمان و راویژى شانۇ راویژى رۆزەزار يان موحوابەرەيە. واتە ھەر كەسايەتەيەك بە پنى چىنى كۆمەلەيەتى و شوین و كاتى خۆى دەدوى و ھەر ئەمە وا دەكا چەندەنگى و چەند زمانى لە شانۇدا دياردەيەكى سەرەكى بى. ئەمە راست ئەو شتەيە كە ئەدەبىيات پىوېستىيەكى زۆرى پنىەتى و لە ئەدەبىياتى كوردیدا

بە تايبەت بۆشايەكەى بە تەواوى ھەست دەكرى. ئەمرو ئەدەبىياتى ئىمە ئەدەبىياتىكى مۆنۆتۆنە و دەنگى جياوازی زۆر كەم تىدا دەبىستى. واتە زمانىكى ئەدەبى كە زۆر دوورە لە زمانى خەلك و ئەمە لە چىرۆكى كوردیدا زۆر بە ناشكرایى دەبىستى چوون ھىچ جياوازیيەكى نەوتۇ لە نىوان راویژى بگىرەوہ و كەسايەتەيە جياوازەكانى ناو چىرۆك نابىنن.

تەنانت ئەم لايەنەى شانۇ دەتوانى بىتە ھۆى دەولەمەندتر بوونى زمانى شىعرى كوردى و بە تايبەت ئەو شاعیرانەى سەر بە

رىچكەى شىعرى گوشتارن، دەتوانن زۆر كەلگ لەو تايبەتمەندىيەى شانۇ و شانۇنامە وەرگرن. يەكىنك لە بەخشەكانى شانۇ بۆ ئەدەبىيات دەتوانى چەن دەنگى كرنەوہى ئەدەبىياتى ئىمە بى بە تايبەت بە كەلگ وەرگرتن لە زمانى رۆزەزار يان زمانى چىنە جياوازەكانى ناو كۆمەلگا.

٢. دىالوگ:

يەكىنك لە نامرازە گرنەكانى چىرۆك چ بۆ ناساندنى كەسايەتى و چ بۆ ناساندنى شوین و كات دىالوگ، ھەرەك ئامازەشمان كرد شانۇ يەكسەر لە دىالوگ بەدى دى واتە ھەرشتى لە شانۇدا دەخولقى بە ھۆى دىالوگەوہ. ئەمە لە كاتىكدايە كە چىرۆكى كوردى ھىندە سەرقالى وەسفە كە دىالوگ و كاردانەوہكانى

لە چىرۆكى كوردیدا يەكسەر لە بیر چۆتەوہ. دووھەم بەخشى گەورەى شانۇ بە ئەدەبىيات چۆنەتى كەلگ وەرگرتن لە دىالوگ و گرنى دان بە دەورى دىالوگ لە گىرانەوہدايە، شتىك كە بۆشايەكەى لە چىرۆكى كوردى بە تەواوى ديار و لە بەرچاوہ.

٣. كەسايەتى:

لە شانۇدا بە ھۆى نەبوونى زۆر ماكى سەرەكى وەك وەسف يان فەزاسازى لە دەروہ و لە لايەن نووسەر يان نەبوونى بگىرەوہ بارى زۆرى قورسايى شانۇ دەكەوتە سەر شانى كەسايەتى و چۆنەتى دارشتنى كەسايەتى بە دىالوگ، ھەر ئەمە كەسايەتى دەكاتە يەكىنك لە ماكە ھەرە گرنەكانى شانۇ. لە چىرۆكىشدا كەسايەتى دەورىكى زۆر گرنە دەبىنى تا ئەو جىيەى زۆر يەك لە نووسەران چىرۆكەكانيان بە پنى كەسايەتى دادەپژن واتە لە پىشدا كەسايەتى دەخولقنن ئەمجا ئەو كەسايەتەيە دەخەنە دلى رووداوہكانەوہ.

تىكەلاوى ئەدەبىيات و شانۇ دەتوانى مودىلەكانى دارشتنى كەسايەتى لە چىرۆكدا زۆر دەولەمەندتر بكا بە تايبەت بە لە بەرچاو گرتى ئەو راستىيەى كە ئەمرو يەكىنك لە گەورەترىن كەسايەتەيەكانى چىرۆكى كوردى كەسايەتەيە، واتە نووسەرى كورد ھىندەى سەرقالى دارشتنى فەزايە نىو ھىندە خۆى بە كەسايەتەيەوہ ماندوو ناك. ھەر بۆيەش تا ئەورو چىرۆكى كوردى نەتوانىوہ كەسايەتى نەم بىخولقننى ئەو جۆرەى نمونەكانى لە ئەدەبىياتى جىھاندا دەبىنن و كەسايەتى وەك دۆن كىشوت و تریسترام شىندى و... يان لە ئەدەبىياتى ئىراندا كەسايەتى وەك حاجى ئاقاي ھىدايەت و شازدە ئىحتجايى گولشیری يان لە توركىيە كەسايەتى وەك ئىنجە مەمدى ياشار كەمال، ناتوانن كەسايەتەيەكى بەرچاو لە ئەدەبىياتى كوردى وەك نمونە بىننەوہ و زۆربەى كەسايەتەيەكان يان زۆر لاوازان يان لە ناستى تىپ نارۆنە سەرتر.

دارشتى بەھىزى كەسايەتى سىنەمىن رەھەندىكە كە شانۇ دەتوانى بە ئەدەبىياتى كوردى بىبەخشى، بەلام تا ئەورووش دەبىنن نووسەرانى ئىمە لەو ھەموو ئىمكانىك كە دەتوانى ئەدەبىياتى كوردى زۆر دەولەمەندتر بكا چاوبان قوچاندووہ تا ئەورووش نەمانتوانىوہ پردىكى بەھىز لە نىوان شانۇ و ئەدەبىيات لە كوردستان ساز كەين. ■



عادل كهریمی

پایز له نیوان "بهره‌نگاری" و "دامان" دا



و نهریت و كه‌له‌پووردا هاوبه‌شن، وه‌لام به‌ك كرده‌ره؛ «پیدا چوونه‌وه». هه‌ندی نهریت هه‌ن ده‌بی وه‌لا بترین، هه‌ندی تر ده‌بی بگوردرین، هه‌ندی تر ده‌بی به‌ره‌هم به‌پترین.

نهرکی شانو بۆ به‌یت له‌م سه‌رده‌مه‌دا ده‌رخستنی دژوازییه‌کانی نیوان سونه‌ت و مودیرنه. ده‌ورگیرێ شانو سونه‌ت و مودیرنه پیکدا ده‌دا و دژوازییه‌کان بۆ کۆمه‌لگای ده‌کاته‌وه که له‌ ناگه‌دا پرس و گرفته‌کانی ئهم سه‌رده‌مه ده‌بێته هه‌وێنی شانو. به‌یت یان رینگه خۆشکه‌ری چاره‌سه‌ر کردنی کیشه‌یه یان خۆی به‌ره‌هم هه‌ینه‌ری کیشه‌یه. ئهم خاله‌ به‌وه که‌وتوووه شانونامه و ده‌ره‌ینه‌ر له‌ ج هه‌نگاویکی شوناسخواریدا بن.

شوناسخواری ناوچه‌کانی کوردستان له‌ یه‌ك ناستدا تین، هه‌ندی ناوچه له‌ هه‌نگاوی هه‌سته به‌ جیاواری و هه‌ول بۆ راگرتنی نهریته تایبه‌ته‌کاندا. له‌م ناوچه‌دا نه‌گه‌ر به‌یت وه‌کوو خۆی بکڕێته شانونامه و ده‌ره‌په‌نری نامانجی خۆی ده‌پیکێ. هه‌ندی ناوچه‌ی تر به‌ هۆی پاشخانێ بتر له‌ به‌ك سه‌ده نه‌ته‌وه‌خواری و گه‌شه‌ی هه‌نهر و وێژه له‌ قوتافی مان و نه‌مان تپه‌سه‌ر بوون و له‌ بیری چاره‌سه‌ر کردنی گرفت و که‌لینه مودیرنه‌کانی شوناسی کوردستان یان واته به‌ شیکاری و شه‌ن و که‌و کردنی نهریت له‌ به‌سه‌ستنی نوێخوازیدا هه‌نهری کوردستانی یه‌ش ده‌خه‌. شانوێ کردی تیکه‌لیکه له‌ هه‌ردوو ره‌وت و له‌ راستیدا بی یه‌کدی ناته‌واون. لێره‌دا روانگی شانونامه‌نووس و ده‌ره‌ینه‌ر ده‌توانی هه‌ر گه‌م له‌و نامانجانه‌ بپیکێ، به‌لام گرنگه له‌ گه‌ل بووردنی کات، سه‌نگی ره‌وتی دووه‌هم قورستر بپیت.

شانوێ پایز به‌ بروای من، میناکیکێ سه‌رکه‌وتووێ ره‌وتی دووه‌مه لێره‌دا به‌یتی پایزه وینای پیمل بوون به‌ نهریتی هه‌له‌به نه‌مه له‌ کاتیکدا به‌ ناریشه‌ی شوناس و به‌ره‌مه وه‌کوو هاوێنی به‌یتی پایزه دینه سه‌ر سین و له‌ پیک‌دادانی من - نه‌وتێدا نه‌خسه‌ رینگای چاره‌سه‌ر کردن ده‌ست نیشان ده‌کهن. ره‌وتی رووداوه‌کی له‌ کۆتایی به‌یته‌که‌دا کۆتایی دیت. به‌لام نه‌مه واتای به‌ره‌نگاری ده‌دات نه‌ك دامان له‌ هه‌سه‌ر دژبه‌ران. دوو واتای دژ به‌ یه‌ك له‌ خالی کۆتایی و دواجووه‌لی ده‌ورگیر.

ئهم ره‌وشه وه‌کوو دوو دژبه‌ر له‌ سه‌ره‌تایی شانوکه‌وه لیک ده‌نالیین و له‌ ناگه‌دا به‌ره‌ت دیته خزمه‌ت ده‌رخستنی کیشه هه‌منوو که‌به‌یه‌کان. ■

به‌یت که له سه‌رده‌می پێش مودیرنه‌وه تا ئێسته هاتوو به‌ به‌شیکێ گرنگی که‌له‌پووری کوردستان نه‌زمار ده‌کړیت. به‌یت به‌ شینواز و ناوه‌روکه جیاوازه‌کانیه‌وه پیناسه‌ی تایبه‌ت به‌ خۆی هه‌یه. خاله‌کانی پیناسه‌ی به‌یت بریتین له: یه‌که‌م، به‌یت قسه له‌ که‌سه‌یه‌تی تایبه‌ت ده‌کات. ته‌نانه‌ت ناوی به‌یته‌کان له‌ ده‌ورگیر یان ده‌ورگیرانی سه‌ره‌کیی به‌یته‌که‌وه وه‌رگیراوه. بۆ وینه سه‌یده‌وان، نه‌سه‌مر و مامه‌ر، عه‌زیز و ته‌کش. له‌ هه‌ر به‌یتیکدا به‌ پێی سه‌رده‌م و ناوچه‌ی جیاواز گیرانه‌وه‌ی جیاواز هه‌یه.

دووه‌مه: به‌یت به‌سه‌ره‌اته. رووداوه‌کان له‌ ده‌ور که‌سه‌یه‌تی سه‌ره‌کیی روو ده‌دن. له‌ خالیکه‌وه ده‌ست پنده‌کات و له‌ خالیکدا - زۆرتر کۆتایی ژبان - کۆتایی بی دیت.

سێهه‌م: زۆربه‌ی به‌یته‌کان هه‌لگری رووداوێکی گرنگی خه‌ل و نه‌ته‌وه‌ن. بۆ وینه؛ سه‌مکو، هه‌مه‌زه ناغای مه‌نگور، قه‌لای دهم، عه‌زیز و ته‌کش.

چواره‌م: سه‌ره‌رای نه‌وه‌ی بۆ هه‌ر به‌یت ده‌نگه هه‌وای جیاواز بوونی هه‌بیت، به‌لام دوو به‌یت به‌ یه‌ك هه‌وا نه‌وته‌وه.

پنجه‌م: به‌یت به‌ شینواری ده‌ به‌رگه‌بی و چه‌ن به‌رگه‌بی و تراوه. ده‌ به‌رگه‌بی تایبه‌ت به‌ به‌شیکێ گۆزانی گه‌وره و به‌شیک له‌ کرمانجی خواریوه و چه‌ن به‌رگه‌بی که‌ خسته‌کان ناهاوسه‌نگن، تایبه‌ت به‌ کرمانجی زووروو و به‌شیک له‌ کرمانجی خواریوه. سی خالی سه‌ره‌تا بۆیان هه‌یه له‌ هه‌ر دوو شینواری دووبات بینه‌وه. بۆ وینه به‌یتی له‌ بلی و مه‌جنوون.

له‌ باری نهریته‌وه، به‌یت به‌سه‌ستنی دره‌په‌ینی هه‌لوێست و سۆزی کۆمه‌لگای کوردستان له‌ هه‌مه‌ر رووداوه گرنگه‌کانی سه‌رده‌م و ناوچه‌ی به‌یت‌بێژه‌که به‌ شێوه‌ی زاره‌کی به‌ره بۆ به‌ره، گیراوه‌ته‌وه. سه‌ره‌رای نه‌وه‌ی که له‌ پاله‌وانی و کاره‌سات و ترازییدا و نه‌وین ده‌دوی، هه‌لگری هه‌ما و باه‌خ و هه‌لسوکه‌وتی پێشینه‌ی گه‌لی کوردستانه. کۆی ئهم خالانه‌ شێوه‌ی روانینی باپیرانمان بۆ جه‌هان ده‌رده‌خه‌ن.

یه‌یه‌هه‌ندی به‌یت و شانو لێره‌و ده‌سته پێ‌ده‌کات که‌ شوناسی ناوناخسێ به‌یت ده‌هه‌ینه‌ به‌سه‌ستنی مودیرنه‌وه. پرسه‌یاری جه‌وه‌هه‌ری نه‌وه‌یه که‌ گیانی کوردستانی بوون له‌ عه‌قلیه‌تی خه‌له‌کی چۆن ده‌رباز ده‌بن. له‌ کاتیکدا هه‌ردووکیان له‌ توخمه‌کانی زمان



هونەری جیهانی رەنگ و بۆنی ناوەرۆک و شیوە



رەحمان هوشیارى

ئەھىلى، بەلام لە پىشت ھەر مەلەکانىيە کەمە
چەند ھەستىيىكى مەرقانە وەك رۆژ ھەلەدەت.
کاتىك چاويكى خىرا بە رەوتى رەوداوەکانى
مىژوودا دەخسینىن دەیان ھونەرمانەند،
فيلسووف و کەسایەتى مێژوویی بەرجاومان
دەکەون کە لە لایەن کۆمەلگاکانیانەو
بە ھۆى ھىنانە ئارای گۆرانکاری نوێ لە
دۆخى ژيان و ھەولەدان بۆ گۆرینی دەلاقەى
روانىيى کۆمەلگا، کۆژاوان و بونەتە قوربانى
ھىنانەکایەى رەوت و رەوداوى نوێ. بەکى لە
تایبەتەندىيە ھەرە بەھىزەکانى نەوھى نوێ
و کەسایەتییە تێھزەکان نەوھى کە سەل
ناکەن و تا گەيشتن بە ئامانج و ئاکام، درێژە
بەو رینگایە دەدەن کە بەدییەنەرى خەون و
خەيالەکانیانە. ئىستا کۆمەلگای ئىمە پىوستى
بەو رۆحە تازە، نەوھى بىر و ھزرى نوینە کە
ھەمیشە ئاراستەى رەوداوەکان دەگۆریت و
بەنەمای نوێ دەھىنیتە کایەو و دزەھزرى
و پاشکەوتوویی بىر دەکات و دەلاقەيەکی
نوى و بەرفەرەوان بە رووى کۆمەلگا و
ژيان دەکاتەو و گۆرانکاری لە جیھانىيى
مەرقەکاندا لە پىوھندى بە پرس و بەسەکانى
جیاوازی نىو کۆمەلگا پىک دەھىنیت. بىر و
ھزرى نوێ بە یەکەم وىستەگى خىراگۆرى
ژيان پىناسە دەکەیت. ئامانج لە بىر و ھزرى
نوێ تەپاوتل کردنە بە ئاراستەکانى دۆخى ژيان
و زانست بە مەبەستى ھىنانە ئارای خەونى
ژيان و جیھانىيى نوێ و تازە و گۆرانکاری
لە رەوتى رەوداوەکان و پەرەسەندنى ئاستى
گەشەسەندنى کۆمەلایەتیی و زانستى لە
ھەموو بوارەکاندا، بەلام پىم باشە ئەم دەلاقە
نویيە کە دەیکەینەو، ژيار و میراتى نەوھى
و کۆمەلگای خۆشمانى تیا بەدى بکەین و
خەلک و جەماوەرمان لە بىر نەجیت.

ھونەر - بە شێوھەكى گشتى و بۆ ھەموو
بوارەکان - وەك کایەيەكى جوازیبەسى و
مەرقەدۇستەنەيە، با ھونەرمان بۆ مەرق و ژيان
بىت. کوا لەو دیو مەرق و ژيانەو ھونەر
ھەيە؟ ■

کەواتە پىوېستە ھەموو ھونەریک مۆركى
نەتەوھىيى پىوھى ديار بى و رەنگدانەوھى ژيانى
ئەو کۆمەلە بى کە تيايدا دەژى و ئامانج و
ئەنجامى بابەتەکانىشى دەبى مەرق و لە
پىناوى مەرقدا بىت. "پىلنسىكى" بە جوانى
لەم بارەو دەواو و دەلى: "ئەو ھونەرمانەندەى
دەپەوئى لە بەرھەمەکانیدا مەرق بونىيى،
دەبى پالەوانەکانى مەرق بى نەك سىيەرى
مەرق..."

[دیارە] رەنگ و بۆنى نەتەوھىيى لە
بەرھەمى ھونەردا نەك تەنیا خەمەتە، بەلكو
پىوېستىيەكى ھەرە گەنگى داھىنانە، ھەر بۆیە
ھەر بەرھەمىک لە لایەنى ھونەریيەو بەھىزتر
بىت، ئەوھندە مۆركى نەتەوھىيى زياتر پىوھى ديار
دەبىت.

بوونى ئەم جەوھەرە دەبىت بە بناغە بۆ
دامەزراندنى ئاسنامەى خۆى، نەتەوھەكى و
بگرە جیھانىيى. بۆیە دەلیم جیھان، چونکە
ھەموو بەرھەمىكى ھونەرى لە نىو نەتەوھەکانى
جیھاندا لە فۆرم و مادە پىکدیت کە شىوھى
بەرھەمىكى ھونەرى ناوچەکە نىشانەدەت.
کەواتە مەن پىم وایە بۆ ئەوھى بەرھەمى
ھونەرى نەم و جىگىر بى و بتوانى ھەلى
تایبەت بۆ خۆى برەخسینى و وەك ھونەریكى
جیھانى خۆى جەسپىيى، پىوېستە بەر لە
ھەموو شتىك نەتەوھىيى بى و راستگۆیى
ھونەرىشى تيادابى.

ئەوھى تا ئىستا باسى لەسەر کرا بە
مانای ئەوھى نىيە لە رابردوودا بىمىنەوھى و
چاومان بەسەر ئىستا و داھاتودا بىسەن،
بەلام حەقیقەتییكى حاشا ھەلنەگرە کە تا
ئىستا بە شىوھى زانستیانە و ئاکادىمىک
لەسەر پاشەكەوتەکانى جوازانسانە، بناغە
فەلسەفییەکان، فەرھەنگ، داب و نەرىت و
... کۆمەلگای خۆمان کارى شیاومان کەم
کردووە و پىوېستە چالاكى و تىكۆشانى زياتر
بکەیت. دەبى ھەل برەخسین بۆ دەربەربى
بىر و راي جیاواز. مەلەلانىيى بىر و راي شوین
پەنجەى خۆى لە سەر شىوھى و ناوەرۆك جى

ھونەر روانىيىكى قوولە بۆ ژيان، بۆ ئەو
دیارە گەنگانەى کۆمەل دەھەژىن. ئەمەرق
فيلسووفان، رەخنەگران و تۆیژەرەکانى ھونەر
لە سەر ئەو رايەن کە ھونەر بە شىوھەكى
گشتى خاسىيەتى نەتەوھەىيە ھەيە. پىوېستە
ھەر ھونەریک رەنگ و بۆنى نەتەوھەىيەى خۆى
لە ناوەرۆك و شىوھەدا ھەلگرتىيى بەو حسابەى
کە تەفسىر و گۆزارش لە گەلىكى سەر ئەم
زەوويە دەکات. گەلىك کە شوناسى تايبەتى
خۆی ھەيە، بنەما و بەھای جوانى لە لايان
تا گەلانى دیکە بەپىيى قۇناغى گەشەسەندى
و بنەما رۆحى و دەروناسانەکانیان و بەسەر
ھاتى ھەزاران سال مێژووى لەسەر يەك
کەلەكەسو دەگۆرەد. نەتەوھەيش وەكوو
ئەوھى مەرقەسان پىناسەيان کردووە: دروست
بۆويەكى مێژوويە، نوینەرى کۆمەلەيە کە
زمانى خۆی ھەيە، سەنوورى جوغرافىيى و
ژيانى ئابوورى خۆی ھەيە.

ھونەرمانەند وەك ئەندامىكى ھوشيارى
کۆمەل و نەتەوھە دەبى پىوھەندىيە ئالۆزەکانى
کۆمەلگای خۆى شى بکاتوھە و بە پىيى
بىرکردنەوھى و چۆنەتى گۆزەرانى ژيانى
تايبەتى خۆى و رادەى ھوشيارى و جۆرى ئەو
ھوشيارىيە، ھونەرەكى دەخاتە کار و شىكارى
کۆمەلگای پىندەکات.

بەرژەوھەندى ھەر تاکە کەسنىك -
ھونەرمانەندىش تاكنىكە لە کۆمەلگا - توند و
بەھىز شەتەك دراوھ لە بەرژەوھەندى گشتى
چىن و کۆمەلگا، بەرھەمى ھونەرمانەند دەبى
مۆركى نەتەوھەىيى پىوھەبى جا دەتوانى جى پىيى
خۆى بدۆزىتەوھە و بىيى بە بەرھەمىكى جیھانى.
کەواتە دەبى بابەتەكەش لەناو جەرگەى
مىللەتەكەيدا ھەلقولابى و تايبەتەندى
نەتەوھەيشى پىوھى ديار و ئاشكرا بى. دەبى
ھونەرمانەند بە ھەموو ھەست و بىرەوھە سەر
بە گەل بى و لە بەرەى گەل دابەرى. بۆیە
"نازم حىكەمەت" دەلى: "ئەو ھونەرمانەندەى
دەپەوئى ھونەرمانەندى گەل بىت، دەبى باش
لە گەلەكەى تىگەيشتبى".

در هم آمیختگی
واقعیت و اسطوره
نمایش نمایش پاییز



فریدون محمدزاده

Serenade

سرنا

قطعه‌ی چهارم از آواز قو

سرنا (به آلمانی standchen) نام قطعه‌ی چهارم از مجموعه‌ی آواز قو اثر فرانتس شوبرت است. متون ترجمه شده به زبان کردی و اجرای آن در جشنواره‌ی تئاتر کردی اتفاق خوشایندی است. شکی نیست این متن هم که نوشته‌ی نمایش‌نامه نویسی لهستانی است دارای معانی بلند انسانی است که در جهان استعاره‌ای چون جهان حیوان - انسان نمود پیدا می‌کند. مفاهیمی چون سلطه، بند و رهایی از قفس حتی به قیمت نیستی و نابودی در جهانی که تزویر در انتها می‌برد و می‌برد از دل چنین متنی استخراج می‌شود که مفاهیمی جهانشمول و انسانی است. اما پوشش‌یابی مواجهه کارگردان با چنین متنی است. به باور من کارگردان در پله‌ی اول یعنی انتخاب نمایشنامه، هدایت بازیگران، طراحی صحنه و میزانشن موفق است. اما در پله‌ی دوم که خلاقیت کارگردان و دیدگاه شخصی و فنی اوست ناتوان است. جایی که در انتهای اثر و آن هنگام که نمایشی منتظر است تا کارگردان تمام آنچه که چیده است و به اصطلاح حرف خود را به کرسی بنشاند و مهر کسی به نام کارگردان را به متن بزند. به شکلی بسیار کم رنگ حتی نسبت به صحنه‌های قبل عمل می‌کند و متأسفانه نمی‌تواند حرف نهایی خود را به عنوان کارگردان بزند. کار به شدت ریتم کندی دارد که به باور من با ساختار داستان همخوانی ندارد. این متن می‌تواند فراز و فرودهای زیادی داشته باشد که وظیفه‌ی کسی چون کارگردان است که آنها را ریزشانه در اکت بازیگران ایجاد کند. خود کلمه‌ی سرنا و بسیاری نشانه‌های دیگر در اثر، به نظر من برای فرد اروپایی شرقی می‌تواند مصادیق عینی داشته باشد که در نهایت همان طنز تلخی اجتماعی ایجاد می‌کند که مدنظر نویسنده است. در حالی که غیر از مفهوم کلی اثر، مخاطب این مکانی از دریافت چنین نشانه‌هایی مانند سرنا (قطعه‌ای موسیقی) ناتوان است. شاید لازم بود برای این نشانه‌ها مایه‌های بومی پیدا و طوری در اثر و اجرا گنجانده شود که نه تنها به متن اصلی ضربه نزنند که باعث تقویت آن شود. مانند نشانه‌هایی که گروه دیاربکر در جشنواره‌ی گذشته در متنی از گولدونی از ایتالیا گنجانده بودند و باعث غنای اثر شده بود. ■

یکی از رویکردهای هنر تئاتر، هنر پیوند دادن اسطوره‌ها و کهن الگوها و نشانه‌های فرهنگی به مضامین و مضامین به جهان امروز است. نوعی مناسبت‌گرایی و داشته‌ها و نداشته‌ها و نمود آن‌ها در جهان امروز و در زندگی معاصر. نمایش پاییز کار پرویز احمدی چنین رویکردی دارد. دلیل این حرف مناسبت و نمونه‌هایی است که در جای جای نمایش هوشمندانه از آن‌ها استفاده شده است. نشانه‌ها و اسطوره‌هایی چون سیب شیطان، اهرمن، عیسی، یکر، رقص، آواز، زنجیر و پرومته، سیزف و پاییز همه و همه در زندگی امروز جاری کور، زندانی و قربانی در جهان معاصر نمود پیدا می‌کنند و به نمایش اوست که باید تقاضای تمام کرده‌ها و ناکرده‌های تاریخ را پس بگیرد چرا که او اسماعیلی است که به قربانگاه می‌رود جایی که نزدیک به دوستش پروتوسوار از پشت به او خنجر می‌زند. استفاده از این اسطوره‌ها و کارکرد امروزی آن‌ها در زندگی معلم شاعر از ادبیات کار ساده‌ای نیست اما کارگردان از عمق آن خوب استفاده کرده است. اگر چه کارگردان در انتهای راه، آن‌قدر که باید ضربه‌ی نهایی را بزند موفق عمل کرده است به این صورت که در صحنه‌ی نفسگیر تمام رنج‌ها و آلام وارد شده بر پروتاکو نیست نمایش را آرام آرام به فرون او می‌کشاند و آن را بروز نمی‌دهد تا این بار روانی به مخاطب منتقل شود اما به باور من می‌توانست قیال دیگری رقم بخورد جایی که در آن تمام شخصیت‌ها در کنار هم قرار گیرند تا در آوردگاهی دیالکتیکی به هم می‌رسد سوال‌ها پاسخ داده شود، اما به نظر می‌رسد نویسنده و کارگردان تمایل به پایانی بلز برای داستان و برای شخصیت‌ها دارد تا نقش مخاطب به عنوان یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌های تئاتر مدرن بیش از پیش پر رنگ باشد. ■



به روایت تصویری

